

تبیین نقش ذهنیت فلسفی، سبک‌های تفکر و راهبردهای یادگیری در عملکرد تحصیلی دانشجویان دانشگاه آزاد بافق

فاطمه خدابخشی موری آبادی^۱

^۱ کارشناس ارشد تحقیقات آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بافق

نویسنده مسئول:

فاطمه خدابخشی موری آبادی

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تبیین نقش ذهنیت فلسفی، سبک‌های تفکر و راهبردهای یادگیری در عملکرد تحصیلی دانشجویان دانشگاه آزاد بافق انجام گرفت. روش پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی بوده که جامعه آماری آن تمامی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی بافق مشغول به تحصیل در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ به تعداد ۱۳۵۰ نفر بود و از این جامعه آماری ۲۱۰ نفر به روش نمونه‌گیری خوش‌های چند مرحله‌ای و بر مبنای جدول مورگان و گرجسی از تعداد ۱۳۵۰ نفر انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه سبک‌های تفکر، پرسشنامه تجدید نظر شده دو عاملی فرآیند مطالعه و پرسشنامه ذهنیت فلسفی استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمونهای ضریب همبستگی و تحلیل رگرسیون در SPSS-۱۸ انجام شد. نتایج نشان داد که ارتباط معنی‌داری بین ذهنیت فلسفی، سبک‌های تفکر و راهبردهای یادگیری دانشجویان وجود داشت ($p < 0/01$). همچنین نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که ذهنیت فلسفی، سبک تفکر محافظه‌کار، سبک تفکر آزاد اندیش، راهبرد یادگیری عمقی و راهبرد یادگیری سطحی توانستند به ترتیب ۰/۱۳، ۰/۲۰، ۰/۲۵، ۰/۵۱ و ۰/۲۲- درصد از عملکرد تحصیلی دانشجویان را پیش‌بینی کنند. طبق یافته‌های به دست آمده می‌توان گفت که ذهنیت فلسفی، سبک‌های تفکر و راهبردهای یادگیری پیش‌بینی‌کننده‌های مهمی برای عملکرد تحصیلی دانشجویان هستند. بنابراین باید در تحقیقات مربوط به عملکرد تحصیلی، توجه ویژه‌ای به این متغیرها داشت.

واژه‌های کلیدی: عملکرد تحصیلی، ذهنیت فلسفی، سبک‌های تفکر، راهبردهای یادگیری

مقدمه

امروزه موفقیت تحصیلی فراگیران همواره به عنوان ملاکی کلیدی در بهره‌وری نظام‌های آموزشی بوده است که بررسی عوامل مؤثر بر آن، امری اجتناب‌ناپذیر در تعلیم و تربیت به شمار می‌رود و به گونه‌های بسیار ظریف به رشد جسمی، اجتماعی، شناختی و عاطفی فراگیر مربوط است (مولر؛ ۲۰۱۸). دانش‌آموزان و دانشجویان به واسطه موفقیت در تحصیل به موقعیتی دست می‌یابند که از حداکثر نیروی درونی و بیرونی خود برای دستیابی به اهداف آموزش استفاده نموده و شرایط لازم برای زندگی اجتماعی موفق را کسب می‌نمایند. نقطه مقابل موفقیت تحصیلی، افت تحصیلی است (دوکورث^۲ و همکاران، ۲۰۱۹). آمار بسیار بالای افت تحصیلی به صورت ترک تحصیل، اخراج و توقف در تحصیل از نظر هزینه‌های آموزشی، هرساله خسارت‌های زیادی را به آموزش عالی در کشورهای جهان وارد می‌کنند. بنابر این، توجه به عواملی که منجر به پیشرفت تحصیلی شده و مانع از افت آن گردد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و مطالعات تأثیر عوامل متعددی را در موفقیت فراگیران مورد بررسی قرار داده‌اند (گوندرسون^۳ و همکاران، ۲۰۱۹). طبق نظر پژوهشگران عوامل شناختی از مهمترین عوامل مؤثر بر موفقیت تحصیلی می‌باشند (برودبنت و پون^۴؛ ۲۰۱۶). یکی از این عوامل شناختی ذهنیت فلسفی است. ذهنیت فلسفی، عبارت است از توانایی‌ها و ویژگی‌های ذهن که فرد را در تفکر صحیح کمک می‌نماید و او را به داشتن قضاوت‌های صحیح عادت می‌دهد (حولکی و همکاران، ۱۳۹۵). پژوهشگران به ذهنیت فلسفی به عنوان نوعی فعالیت ذهنی می‌نگرند که مأموریت دارد به انسان کمک کند تا به نتایج اعمال روزانه‌اش عمیق‌تر فکر کند و حکیمانه عمل کند. فردی که دارای ذهن فلسفی است خصوصياتی را نشان می‌دهد که میتوان آنها را در سه بعد مرتبط به هم یعنی جامعیت، تعمق و انعطاف پذیری گروه بندی کرد. ذهنیت فلسفی، میتواند به عنوان وسیله‌ای برای کمک به افراد در تفکر لحاظ شود (کاروانا^۵؛ ۲۰۱۶). این فرد همواره در جامعیت بخشیدن به اندیشه‌هایش تلاش میکند، مسائل را در ارتباط با زمینهای وسیع و مرتبط به هدف‌های دراز مدت ببیند. این ویژگی در صدد است تا انسان را طوری پرورش دهد که بتواند در برابر فشار آنی و موارد خاص مقاومت نموده و مسائل را بر اساس هدف‌های دراز مدت بنگرد. در این راستا لازم است فرد قدرت تعمیم خلاق را به دست آورده و به کار برد (دینته^۶؛ ۲۰۱۷). برای رسیدن به این منظور باید در تفکرات عمیق نظری شکبیا باشد. تعمق، بعد دوم ذهنیت فلسفی است که سبب میشود فرد ایده‌ها و پدیده‌ها را مورد مطالعه عمیق قرار دهد. فردی که از بعد دوم ذهنیت فلسفی برخوردار است، آنچه را که دیگران بدیهی تلقی کرده و درباره آنها پرسش نمیکند، مورد سؤال قرار میدهد و از این طریق بر شانس خود برای حرکت به ماورای محدودیت‌های تعصب جاهلانه، جانبداری‌های شخصی و تصورات کلیشه‌ای می‌افزاید. با رهایی از جبر امور آشکار، نظریات و افکار اساسی به عنوان کلیدی برای حل مسائل در دامنه‌های وسیع نمایان می‌شوند (موری^۷؛ ۲۰۱۶).

انعطاف پذیری که بعد سوم ذهنیت فلسفی است با نواندیشی، دیگر بینی و خلاقیت سرو کار دارد و همچون خلاقیت ممکن است همواره بر سر راه آن مانعی وجود داشته باشد. اغلب افراد به دلیل تحت تأثیر قرار گرفتن فشارهای محیطی، عاطفی و روانی دچار نوعی تحجر فکری میشوند و ممکن است عکس‌العملی نشان | دهند که مناسب با آن موقعیت نباشد (لویا^۸ و همکاران، ۲۰۱۵). در رابطه با ذهنیت فلسفی و عملکرد تحصیلی اگر چه تاکنون تحقیقات اندکی انجام گرفته است، اما بر اساس نتایج همین پژوهش‌ها نیز به نظر میرسد ذهنیت فلسفی نقش مثبتی در عملکرد تحصیلی داشته باشد. بر همین اساس نتایج پژوهش حولکی و همکاران (۱۳۹۵) نشان داد که ذهنیت فلسفی می‌تواند تدریس خلاقانه را در بین اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها پیش بینی کند.

اما از سوی دیگر یکی از متغیرهایی که می‌تواند ارتباط نزدیکی با عملکرد تحصیلی دانشجویان داشته باشد و کمتر به آن پرداخته شده است، راهبردهای یادگیری است. رویکرد یادگیری، روشی است که فراگیر در یادگیری مطالب درسی از آن بهره میگیرد تا اطلاعات و تجربیات تازه را در ذهن خود سازماندهی و پردازش کند (نیسبت^۹؛ ۲۰۱۷). در این زمینه دو رویکرد وجود دارد: نخست، رویکرد عمقی^۹ نام دارد که در این

1. Muller

2. Duckworth

3. Gunderson

4. Broadbent & Poon

5. Caruana

6. Dennett

7. Mori

8. Loya

9. Nisbet

رویکرد یادگیرنده به دنبال یافتن مفهوم و معنای زیربنایی مطالب درسی است و مطالب را با یکدیگر و با دانش قبلی خود مرتبط میسازد. در واقع رویکرد عمقی با یادگیری عمیق، زمانی رخ میدهد که دانش آموزان بتوانند با موضوعات درسی ارتباط برقرار کنند و ارزش آنها را دریابند و ببینند چگونه میتوانند آنها را در دنیای واقعی به کار گیرند (برودیت و فون، ۲۰۱۵). رویکرد دوم، سطحی نام دارد که در آن یادگیرنده به دنبال حفظ طوطی وار مطالب درسی است و راهبرد اصلی او حفظ کردن طوطی وار مطالب پراکنده و باز پدید آوری آن در هنگام امتحان است. یادگیری عمیق متضاد یادگیری سطحی و رویکرد مطلوب آموزش عالی است. راهبردهای یادگیری از جمله عوامل تاثیر گذار بر عملکرد تحصیلی هستند که توجه بدان آنها می تواند زمینه ای را برای رشد و پیشرفت تحصیلی فراگیران فراهم آورد و نتیجه آن، پیشرفت در مراحل بعدی زندگی از جمله موفقیت در دنیای کار باشد (عقیلی و نصیری، ۱۳۹۳).

پژوهشگران معتقدند که اگر راهبردهای یادگیری فرد با رشته ای که در آن تحصیل می کند همخوان نباشد، شخص یا از آن رشته انصراف می دهد یا نسبت به آن احساس نارضایتی می کند. با توجه به تاثیر سبک های یادگیری بر پیشرفت تحصیلی، لازم است معلمان و اساتید دانشگاه ها از چگونگی و انواع آن و نحوه تاثیری که بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان دارند، آگاه باشند (عزیزی و همکاران، ۱۳۸۰). اما علاوه بر آنچه که اشاره گردید، یکی دیگر از عوامل مهمی که بر عملکرد تحصیلی فراگیران رابطه دارد، سبک های تفکر است. استرنبرگ (۲۰۰۹) سبک های تفکر را شیوه های ترجیح داده شده افراد در تفکر و استفاده از توانایی های خود می داند. او در نظریه «خود حکومتی ذهنی، خویش معتقد است انواع شیوه های مختلف حکومتی که در جهان وجود دارد تصادفی نبوده بلکه انعکاس بیرونی افکار ذهنی انسان ها است. بر این اساس و با استفاده از استعاره حکومت، استرنبرگ، سبک تفکر را مطرح میکند که به ۵ بعد قابل تفکیک هستند ۱-کارکردها: شامل سبک های تفکر قانونی (خلاق بودن)؛ قضایی (ارزیابی افراد دیگر با بازدهها)؛ اجرایی (انجام تکالیف با توجه به دستورات داده شده)؛ ۲- شکل ها: شامل سبک های تفکر سلسله مراتبی (اولویت بندی تکالیف فردی)؛ سلطنتی (کار روی یک تکلیف در یک زمان)؛ الیگارش (کار روی تکالیف چندگانه بدون اولویت بندی)؛ آنارشیزم (کار روی تکالیفی بدون محدودیت درباره «چه»، «کجا»، «کیه و چگونه انجام دادن حوزه ها: شامل سبک های درونی انجام تکالیف به تنهایی)؛ بیرونی (کار با دیگران) ۵- گرایش ها: شامل سبکهای آزاد اندیش (اتخاذ رویکردی بدیع نسبت به انجام تکالیف)؛ و محافظه کار استفاده از شیوه های سنتی در انجام تکالیف) (زانگ، ۲۰۱۵).

زانگ و استرنبرگ (۲۰۰۹) سبک تفکر را بر اساس معیارهایی همچون پیچیدگی شناختی و غیره به سه نوع اصلی تقسیم بندی نموده اند: سبک های نوع اول که شامل پنج سبک تفکر قانونی، قضایی، سلسله مراتبی، کلی و آزاداندیش است. این دسته از سبک ها مولد خلاقیت بوده و پیچیدگی شناختی زیادی دارند. سبک های تفکر نوع دوم فرد را به تبعیت از هنجارها رهنمون ساخته و سطوح پایین تری از پیچیدگی شناختی را در بر میگیرند و شامل سبک های تفکر اجرایی، جزئی، سلطنت طلب و محافظه کار هستند. و در نهایت سبک های تفکر نوع سوم شامل سبک های آنارشیزم، الیگارش، درونی و بیرونی هستند. این سبک ها با توجه به الزامات سبکی هر تکلیف خاص، میتوانند ویژگی های سبک های نوع اول و دوم را نشان دهند. تحقیقات فراوانی بر اساس نظریه سبک های تفکر انجام شده است. در این پژوهش ها مشخص شده است که انواع سبک های تفکر با پیشرفت تحصیلی، صفات شخصیتی، عزت نفس، و بهزیستی روانشناختی رابطه دارند (فان^۱ و همکاران، ۲۰۱۸).

با توجه به مطالب مطرح شده، به نظر می رسد ذهنیت فلسفی، راهبردهای یادگیری و سبک های تفکر از عوامل مهمی هستند که در پیشرفت تحصیلی و عملکرد تحصیلی دانشجویان تأثیر گذار هستند، با این حال هنوز مطالعه ای به بررسی کامل و جامع این موضوع در بین دانشجویان نپرداخته است و نیاز است با توجه به این خط پژوهشی به بررسی کامل و جامع رابطه بین ذهنیت فلسفی، راهبردهای یادگیری و سبک های تفکر با عملکرد تحصیلی دانشجویان پرداخته شود. با عنایت به آنچه اشاره گردید، پژوهش حاضر در راستای پاسخ به این پرسش انجام گرفته است که ذهنیت فلسفی، سبک های تفکر و راهبردهای یادگیری قادر به تبیین عملکرد تحصیلی دانشجویان دانشگاه آزاد بافق هستند یا خیر؟

¹ . Sternberg

² . Zhang

³ . Phan

روش

روش پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی بود که با هدف تبیین نقش ذهنیت فلسفی، سبک های تفکر و راهبردهای یادگیری در عملکرد تحصیلی دانشجویان دانشگاه آزاد بافق انجام گرفت. جامعه آماری این پژوهش تمامی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد بافق در سال تحصیلی ۱۳۹۷-۹۸ به تعداد ۱۳۵۰ نفر بود که از بین این افراد، به روش نمونه گیری خوشه‌ای چند مرحله ای و بر مبنای جدول مورگان و گرجسی تعداد ۲۲۹ نفر به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. به این صورت که از بین دو دانشکده تحصیلات تکمیلی و دانشکده فنی و مهندسی، ۱۵ کلاس به صورت تصادفی انتخاب شدند و پرسشنامه‌ها در بین دانشجویان این کلاس‌ها تقسیم شد. در نهایت پس از حذف پرسشنامه‌های مخدوش و ناقص، تعداد ۲۱۰ پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

ابزار**الف) پرسشنامه سبک تفکر استرنبرگ - واگنر (۱۹۹۱)**

این پرسشنامه دارای ۶۵ سؤال و ۱۳ نوع سبک تفکر؛ قانون گذارانه (آفریننده) اجرایی (تحقق بخش)، قضایی (ارزشیابانه)، مونارشی (تک سالاری)، سلسله مراتبی (پایورسالاری)، الیگارش (جرگه سالاری)، بی قانونی (آناششی)، کلی (فراگیر) و جزئی (محلی)، داخلی، خارج، محافظه کارانه و ترقی خواهانه (آزادمنشانه) با ۶۵ گویه (هر خرده مقیاس با ۵ گویه) است. این سیزده سبک هر کدام یک خرده مقیاس نامیده می شوند و در چهار خرده مقیاس کلی سبک تفکر درونی، سبک تفکر بیرونی، سبک تفکر محافظه کار و سبک تفکر آزاد اندیش طبقه بندی میشوند. این مقیاس به شکل طیف لیکرت ۷ گزینه ای اصلا (نمره ۱)، بسیار کم (نمره ۲)، کم (نمره ۳)، تا حدودی (نمره ۴)، زیاد (نمره ۵)، بسیار زیاد (نمره ۶)، کاملا (نمره ۷) طراحی شده است که نمونه ها باید یکی از این گزینه ها را انتخاب کنند. دامنه بالاتر در هر خرده مقیاس سبک تفکر قالب فرد است. استرنبرگ و واگنر (۱۹۹۱) روایی پرسشنامه را این گونه گزارش کرده اند: پنج عامل شناسایی شده که به میزان ۰/۷۷ واریانس را تبیین می کند. اعتبار این پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ در پژوهش زانگ و لیفانگ (۲۰۰۶) و زارعی (۱۳۹۰) برای هر خرده مقیاس محاسبه شد. میانگین ضرایب به دست آمده از تحقیقات زانگ و لیفانگ ۰/۹۹ و میانگین ضرایب به دست آمده از تحقیقات زارعی ۰/۶۴ است.

ب) پرسشنامه تجدید نظر شده دو عاملی فرآیند مطالعه R-SPQ-2

بیگز و همکاران (۲۰۰۱) فرم دو عاملی تجدید نظر شده پرسشنامه فرایند مطالعه را به منظور استفاده معلمان برای ارزیابی رویکردهای یادگیری دانش آموزان طراحی کرده اند. ابزار تجدید نظر شده، فقط رویکردهای عمیق و سطحی در حالی که هر رویکرد خود از دو بعد انگیزه و راهبرد تشکیل شده با استفاده از ۲۰ سؤال با مقیاس لیکرت پنج درجه‌ای (کاملا مخالف = ۱، مخالف = ۲، نظری ندارم = ۳، موافق = ۴ و کاملا موافق = ۵) ارزیابی می کند. سؤالات ۱، ۲، ۵، ۶، ۹، ۱۰، ۱۳، ۱۷، ۱۸ مقیاس رویکرد عمیق؛ سؤالات ۳، ۵، ۷، ۱۱، ۱۲، ۱۵، ۱۶، ۱۹، ۲ مقیاس رویکرد سطحی؛ سؤالات ۱، ۵، ۹، ۱۳، ۱۷ خرده مقیاس انگیزه عمیق؛ سؤالات ۲، ۸، ۱۰، ۱۶، ۱۸ خرده مقیاس راهبرد عمیق؛ سؤالات ۳، ۷، ۱۱، ۱۵، ۱۹ خرده مقیاس انگیزه سطحی و سؤالات ۴، ۸، ۱۲، ۱۹، ۲۰ خرده مقیاس راهبرد سطحی اندازه گیری می کنند. فرم نهایی این پرسشنامه، به کمک روش های پایایی و تحلیل عاملی تأییدی مطالعه شده است. شکری و همکاران (۱۳۸۵) اعتبار عاملی این ابزار را در دو عامل تأیید شده که در پژوهش آنها ضریب پایایی پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ برای رویکرد عمیق و سطحی به ترتیب ۰/۷۹ و ۰/۸۳ به دست آمده است. همچنین ضریب پایایی این ابزار در پژوهش کمری و فولاد چنگ (۱۳۹۵) برای رویکرد عمیق ۰/۷۶ و برای رویکرد سطحی ۰/۷۵ حاصل شده است.

ج) پرسشنامه ذهنیت فلسفی

در این پژوهش برای سنجش ذهنیت فلسفی دانشجویان از پرسشنامه ذهنیت فلسفی که توسط سلطانی (۱۳۷۵) تدوین و اجرا شده است، استفاده شده است که سه مؤلفه (جامعیت، انعطاف پذیری و تعمق) را می سنجد. هر مؤلفه دارای بیست عبارت یا گویه است و پرسشنامه در کل ۶۰ گویه دارد که پاسخ های آنها بر روی مقیاس پنج درجه ای به صورت هرگز، به ندرت، بعضی مواقع، تقریباً همیشه و همیشه مشخص شده اند. گویه ها در جهت مثبت و منفی نمره گذاری می شوند. در جهت مثبت ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ و در جهت منفی ۵، ۴، ۳، ۲، ۱. برای سنجش پایایی پرسشنامه ذهنیت فلسفی مدیران از روش آلفای کرونباخ استفاده شد، زیرا این پرسشنامه متشکل از سه مؤلفه است. این روش برای محاسبه

همانگی درونی پرسشنامه هایی که خصیصه های مختلف را اندازه گیری می کنند، بکار می رود (سرمد و همکاران، ۱۳۸۵). ضریب آلفای کرونباخ به دست آمده برای این پرسشنامه توسط بهاری (۱۳۸۵) ۰/۷۸ بوده است. از روش ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه به شیوه گام به گام جهت تجزیه و تحلیل داده های پژوهش استفاده شد.

یافته ها

در جدول ۱ میانگین و انحراف استاندارد نمرات آزمودنی ها در متغیرهای پژوهش (ذهنیت فلسفی، سبک های تفکر، راهبردهای یادگیری و عملکرد تحصیلی) ارائه شده است.

جدول ۱) شاخص های توصیفی نمرات آزمودنی ها در متغیرهای پژوهش				
شاخص های توصیفی				متغیر
میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه	
۴۶/۵۹	۶/۰۸	۱۶	۶۲	جامعیت
۴۳/۰۲	۵/۳۲	۱۲	۶۱	تعمق
۳۷/۲۱	۷/۰۸	۱۴	۶۲	انعطاف پذیری
۱۲۶/۸۲	۳۴/۹۰	۴۲	۱۶۸	نمره کل ذهنیت فلسفی
۴۳/۱۸	۹/۱۲	۱۰	۵۲	سبک تفکر درودنی
۳۹/۸۰	۷/۷۸	۱۴	۵۱	سبک تفکر بیرونی
۳۴/۱۱	۸/۴۲	۸	۵۳	سبک تفکر محافظه کار
۳۹/۹۳	۲/۹۱	۱۲	۵۲	سبک تفکر آزاد اندیش
۳۴/۶۴	۷/۰۴	۱۲	۴۹	راهبرد یادگیری عمقی
۳۰/۳۷	۷/۶۶	۱۰	۴۸	راهبرد یادگیری سطحی
۱۶/۰۸	۲/۹۱	۱۲	۱۸	عملکرد تحصیلی

در جدول ۲، ضریب همبستگی عملکرد تحصیلی با ذهنیت فلسفی، سبک های تفکر و راهبردهای یادگیری نشان داده شده است. همانگونه که از نتایج جدول ۲ مشخص است، رابطه بین تمام مولفه های ذهنیت فلسفی (جامعیت، تعمق و انعطاف پذیری)، تمام سبک های تفکر (درونی، بیرونی، محافظه کار و آزاد اندیش) و راهبرد یادگیری عمقی با عملکرد تحصیلی مثبت است. همچنین رابطه بین راهبرد یادگیری سطحی با عملکرد تحصیلی منفی است. مثبت بودن رابطه بین ذهنیت فلسفی، سبک های تفکر و راهبرد یادگیری عمقی با عملکرد تحصیلی بدین معناست که هر چه نمرات ذهنیت فلسفی، سبک های تفکر و راهبرد یادگیری عمقی در دانشجویان بیشتر بوده است، عملکرد تحصیلی نیز در آنان بیشتر بوده است و بالعکس. همچنین منفی بودن رابطه بین راهبرد یادگیری سطحی با عملکرد تحصیلی بدین معناست که هر چه راهبرد یادگیری سطحی در دانشجویان بیشتر بوده، عملکرد تحصیلی در آنان کمتر بوده و بالعکس.

جدول ۲) ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهش

عملکرد تحصیلی		متغیرهای پیش بین
مقدار معنی داری	مقدار همبستگی	
۰/۰۰۱	۰/۳۹	جامعیت
۰/۰۰۱	۰/۳۰	تعمق
۰/۰۰۱	۰/۲۸	انعطاف پذیری
۰/۰۵	۰/۱۵	سبک تفکر درودنی
۰/۰۱	۰/۲۲	سبک تفکر بیرونی
۰/۰۱	۰/۲۵	سبک تفکر محافظه کار
۰/۰۰۱	۰/۳۶	سبک تفکر آزاد اندیش
۰/۰۰۱	۰/۴۹	راهبرد یادگیری عمقی
۰/۰۰۱	-۰/۲۷	راهبرد یادگیری سطحی

در ادامه جهت پیش بینی عملکرد تحصیلی از روی ذهنیت فلسفی، سبک‌های تفکر و راهبردهای یادگیری از تحلیل رگرسیون چندگانه به شیوه گام به گام استفاده شد. که نتایج آن در جدول ۳، ۴ و ۵ اشاره شده است.

جدول ۳) خلاصه نتایج تحلیل رگرسیون برای پیش بینی عملکرد تحصیلی از طریق ذهنیت فلسفی، سبک‌های تفکر و راهبردهای یادگیری

متغیر ملاک	مقدار ضریب همبستگی R	مقدار R^2	خطای معیار تخمین زده
عملکرد تحصیلی	۰/۳۵	۰/۱۴	۴/۱۰

جدول ۴) نتایج تحلیل واریانس برای پیش بینی عملکرد تحصیلی از طریق ذهنیت فلسفی، سبک‌های تفکر و راهبردهای یادگیری

متغیرهای ملاک	منبع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	مقدار F	مقدار معناداری
عملکرد تحصیلی	پیش بینی	۱۵۱۴/۶۹	۵	۳۰۲/۹۳		
	باقیمانده	۱۰۲۱۴/۶۹	۲۹۳	۳۴/۸۶	۸/۶۸	۰/۰۱
	کل	۱۱۷۲۹/۳۸	۲۹۸			

خلاصه نتایج تحلیل رگرسیون در جدول ۳ نشان داد که مقدار ضریب همبستگی بین ذهنیت فلسفی، سبک‌های تفکر و راهبردهای یادگیری با عملکرد تحصیلی برابر با ۰/۳۵ می باشد. میزان R^2 برابر با ۰/۱۴ می باشد؛ یعنی ۰/۱۴ درصد واریانس نمرات عملکرد تحصیلی در دانشجویان از طریق ذهنیت فلسفی، سبک‌های تفکر و راهبردهای یادگیری قابل تبیین است. به منظور بررسی معناداری ضریب همبستگی بدست آمده، نتایج تحلیل واریانس مندرج در جدول ۴ نشان می دهد که میزان F بدست آمده معنادار است ($F_{(۲۹۳,۵)}=۸/۶۸, p<۰/۰۱$). بنابراین، ذهنیت فلسفی، سبک‌های تفکر و راهبردهای یادگیری به طور کلی قادر به پیش بینی عملکرد تحصیلی در دانشجویان می باشند. نتایج مربوط به بررسی اثر تک تک متغیرها در جدول ۵ نشان داده شده است.

جدول ۵) نتایج مربوط به ضرایب رگرسیون

متغیرهای ملاک	متغیر پیش بین	ضریب رگرسیون B	SE	Beta	مقدار t	مقدار معناداری
	ذهنیت فلسفی	۰/۱۴	۰/۰۶	۰/۱۳	۲/۲۴	۰/۰۱
	سبک تفکر محافظه کار	۰/۱۱	۰/۰۳	۰/۲۰	۳/۸۰	۰/۰۱
عملکرد تحصیلی	سبک تفکر آزاد اندیش	۰/۲۲	۰/۰۶	۰/۲۵	۳/۲۹	۰/۰۱
	راهبرد یادگیری عمقی	۰/۲۳	۰/۰۳	۰/۵۱	۸	۰/۰۱
	راهبرد یادگیری سطحی	-۰/۱۲	۰/۰۲	-۰/۲۲	-۴/۵۰	۰/۰۱

جدول ۵ نتایج مربوط به ضرایب رگرسیون را نشان می‌دهد. این جدول به منظور بررسی نقش پیش بینی کنندگی ذهنیت فلسفی، تک تک سبک‌های تفکر و راهبردهای یادگیری بر عملکرد تحصیلی می‌باشد، نتایج مندرج در جدول ۴-۱۱ نشان می‌دهد که ذهنیت فلسفی (۰/۰۱)، $p < ۲/۲۴$ ، سبک تفکر محافظه کار (۰/۰۱، $p < ۳/۸۰$ ، $t = ۳/۸۰$)، سبک تفکر آزاد اندیش (۰/۰۱، $p < ۳/۲۹$ ، $t = ۳/۲۹$)، راهبرد یادگیری عمقی (۰/۰۱، $p < ۸$ ، $t = ۸$) و راهبرد یادگیری سطحی (۰/۰۱، $p < -۴/۵۰$ ، $t = -۴/۵۰$) به صورت معنی دار قادر به پیش بینی عملکرد تحصیلی دانشجویان می‌باشند. اما مولفه‌های سبک تفکر درونی و سبک تفکر بیرونی قادر به پیش بینی عملکرد تحصیلی دانشجویان نبودند.

بحث و نتیجه گیری

این پژوهش با هدف تبیین نقش ذهنیت فلسفی، سبک های تفکر و راهبردهای یادگیری در عملکرد تحصیلی دانشجویان دانشگاه آزاد بافق انجام گرفت. نتایج پژوهش نشان داد که رابطه معنی داری بین ذهنیت فلسفی، سبک های تفکر و راهبردهای یادگیری با عملکرد تحصیلی وجود داشت. همچنین نتایج نشان داد که ذهنیت فلسفی، سبک تفکر محافظه کار، سبک تفکر آزاد اندیش، راهبرد یادگیری عمقی و راهبرد یادگیری سطحی به صورت معنی دار قادر به پیش بینی عملکرد تحصیلی دانشجویان بودند. این یافته ها با نتایج پژوهش های خالدان و آبکار (۱۳۸۸) و استرنبرگ و گرینگورینکو (۱۹۹۷) مبنی بر نقش ذهنیت فلسفی بر عملکرد تحصیلی؛ پژوهش های صفیوند و همکاران (۱۳۹۷) و یوان و همکاران (۲۰۱۷) مبنی بر نقش سبک تفکر محافظه کار و سبک تفکر آزاد اندیش بر عملکرد تحصیلی و همسو با نتایج پژوهش های رضایی (۱۳۹۵)؛ برودپنت و پون (۲۰۱۵) و دنت و کوئیکا^۱ (۲۰۱۶) مبنی بر نقش راهبرد یادگیری عمقی و سطحی بر عملکرد تحصیلی، همسو است.

در تبیین قدرت پیش بینی کنندگی ذهنیت فلسفی بر عملکرد تحصیلی دانشجویان، می توان اینگونه استنباط نمود که تحقیقا پیشین کاملاً نشان داده است که ذهنیت فلسفی ارتباط معنی داری با متغیرهایی نظیر خلاقیت، تفکر منطقی، تفکر انتقادی و انگیزش پیشرفت دارد و با توجه به ارتباط معنی دار متغیرهای فوق با پیشرفت و عملکرد تحصیلی می توان انتظار داشت که دانشجویان دارای ذهنیت فلسفی بالاتر از عملکرد تحصیلی بالاتری نیز برخوردارند. از جهت دیگر همانگونه که پیش تر اشاره گردید دانشجویان دارای سبک تفکر فلسفی از قوانین پیروی کرده، کارهایی را انجام می دهند که از قبل برنامه ریزی و سازماندهی شده باشند. اینگونه افراد برای بهره گیری هر چه بهتر از مطالب درسی و در نتیجه افزایش انگیزه از تفکر خود به بهترین شکل استفاده میکنند که بر این اساس، از عملکرد تحصیلی بهتری برخوردار خواهند شد (محبوبی و همکاران، ۱۳۹۴).

در تبیین نقش پیش بینی کنندگی سبک تفکر محافظه کار و سبک تفکر آزاد اندیش بر عملکرد تحصیلی دانشجویان، میتوان اینگونه اسدلال کرد که افراد دارای سبک تفکر محافظه کار به ارزیابی و سنجش جنبه های مختلف تدریس دارند و تمایل دارند قوانین، ساختارها و روش های موجود را ارزیابی کنند. آنها تکالیفی را ترجیح می دهند که مربوط به تحلیل و ارزیابی از چیزا و عقاید باشد و از این جهت با بررسی درونی جنبه های مختلف مسائل مربوط به تحصیل موفقیت بیشتری را کسب خواهند کرد (زارعی و همکاران، ۱۳۹۱). از سوی دیگر، نتایج تحقیقات بیانگر آن است که افراد دارای سبک تفکر آزاداندیش در اغلب فرهنگ ها از سازگاری تحصیلی بیشتری برخوردارند (یلماز-سویلو^۲ و همکاران، ۲۰۰۹) و با توجه به ارتباط مثبت و معنی دار سازگاری تحصیلی با عملکرد تحصیلی، می توان دریافت که افراد دارای سبک تفکر آزاد اندیش از عملکرد تحصیلی بیشتری برخوردار خواهند شد.

همچنین در رابطه نقش پیش بینی کنندگی راهبردهای یادگیری عمقی و سطحی بر عملکرد تحصیلی می توان گفت که در رویکرد عمقی، یادگیرنده بر فهم و مرتبط ساختن اندیشه های موجود در مطلب یا تکلیف یادگیری متمرکز میشود و مفاهیم را به یکدیگر و به دانش قبلی مرتبط میسازد. شیوه اصلی او در مطالعه، منسجم سازی و وحدت بخشی مفاهیم و اصول یادگرفته شده در یک نظام مفهومی گسترده تر است که این روش مبتنی بر درک و فهم مطالب است (فان^۳، ۲۰۱۱). از طرفی دیگر، بیگز^۴ (۲۰۰۱) نشان داده است محتوای دروس و تدریس خوب و حمایت از آزادی بیان، دانشجویان را به مطالعه و یادگیری عمیق سوق میدهد و میتواند به طور چشمگیری روی انتخاب رویکرد مطالعه و یادگیری دانشجویان تأثیر داشته باشد و بر این اساس بر موفقیت تحصیلی آنان تأثیر گذارد. بر اساس پژوهشهای مختلف هم عوامل فردی مانند انگیزه ها و سبک ها، هم عوامل محیط آموزشی مانند سنجش بر چگونگی استفاده از رویکردهای مطالعه تأثیر میگذارند. وجود رابطه بین راهبردهای یادگیری و عملکرد تحصیلی در چند پژوهش تأیید شده است که عملکرد تحصیلی خوب با رویکردهای عمقی و راهبردی همبستگی مثبت و با رویکرد سطحی همبستگی منفی دارد. بنابراین، مجموع عوامل ذکر شده، میتواند رویکردهای یادگیری دانشجویان را شکل دهد و رویکرد مطالعه

¹ . Dent, & Koenka

² . Yilmaz-Soylu

³ . Phan

⁴ . Biggs

بر روی عملکرد بهتر حافظه، مانند یادآوری و بازشناسی مطالب، مؤثر باشد و به نوبه خود بر بازده‌های آموزشی مانند پیشرفت، عملکرد و موفقیت تحصیلی تأثیر بگذارد؛ اما رویکرد سطحی به یادگیری، رویکردی است که انگیزه برای افراد کسب شرایط لازم با حداقل تلاش است. این رویکرد با افرادی سروکار دارد که کار را به دلیل اجبار انجام می‌دهند، نه به میل و علاقه خود که این بی انگیزگی منجر به کاهش انگیزش تحصیلی آنان می‌شود و در نتیجه عملکرد تحصیلی کمتری خواهند داشت (رضایی، ۱۳۹۵).

در مجموع نتایج این پژوهش نشان داد که ذهنیت فلسفی، سبک تفکر محافظه کار، سبک تفکر آزاد اندیش، راهبرد یادگیری عمقی و راهبرد یادگیری سطحی به صورت معنی دار قادر به پیش بینی عملکرد تحصیلی دانشجویان بودند. علی رغم نتایج کاربردی و آموزشی که از نتایج این پژوهش قابل استنباط است، به علت وجود محدودیت‌هایی نظیر استفاده از یک جامعه آماری برای اکتساب نتایج، استفاده از ابزارهای خودگزارش دهی و عدم استنباط روابط علی و معلولی از نتایج پژوهش، باید در تعمیم نتایج احتیاط کرد. از سوی دیگر پیشنهاد میشود در پژوهش‌های آتی از ابزارهای متنوع تر و نمونه‌های آماری با جوامع مختلف برای اکتساب نتایج استفاده کرد.

منابع

- بهارى، سيف الله (۱۳۸۰). رابطه ذهنیت فلسفی مدیران با عملکرد آنان، اندیشه های تازه در علوم تربیتی، ۱(۴)، ۴۵-۵۴
- حولکی، عاطفه؛ عرفانی، نصراله؛ شبیری، سید محمد و بیات، مرتضی (۱۳۹۵). پیش‌بینی تدریس خلاقانه بر اساس ذهنیت فلسفی اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی. مجله توسعه آموزش در علوم پزشکی، ۹(۲۱)، ۸۱-۷۳
- خالدان، اصغر و آبکار، علیرضا (۱۳۸۴). بررسی میزان ذهنیت فلسفی مربیان ورزش و رابطه آن با برخی از مشخصات فردی. پژوهشنامه فیزیولوژی ورزشی کاربردی، ۱۱(۱)، ۲۵-۱۱.
- رضایی، اکبر (۱۳۹۵). رابطه باورهای معرفت‌شناختی، هیجان‌های تحصیلی و خودکارآمدی با رویکردهای یادگیری سطحی و عمقی دانشجویان. دوفصلنامه راهبردهای شناختی در یادگیری، ۴(۶)، ۸۰-۵۹
- زارعی، حیدر علی؛ میرهاشمی، مالک و شریفی، حسن پاشا (۱۳۹۱). ارتباط سبک‌های تفکر با سازگاری تحصیلی در دانشجویان پرستاری. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، ۱۲(۳)، ۱۶۶-۱۶۰
- سرمد، زهره (۱۳۸۵). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: روان.
- سلطانی، ایرج (۱۳۷۵). اندازه‌گیری میزان ذهنیت فلسفی مدیران. مدیریت تدبیر، ۶۲، ۱۶-۱۹.
- شکری، امید؛ کدیور، پروین؛ فرزاد، ولی‌الله و دانش‌پور، زهره (۱۳۸۵). رابطه سبک‌های تفکر و رویکردهای یادگیری با پیشرفت تحصیلی دانشجویان. تازه‌های علوم شناختی، ۸(۲)، ۵۲-۴۴
- صفی‌وند، فاطمه؛ میرهاشمی، مالک و پاشا شریفی، حسن (۱۳۹۷). تبیین پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دبیرستانی دو زبانه بر اساس سبک‌های تفکر، سبک‌های یادگیری، هوش هیجانی و استرس تحصیلی. پژوهش اجتماعی، ۱۰(۳۹)، ۱۲۸-۱۰۳.
- عزیزی، فریدون؛ خانزاده، علی و حسینی، مسعود (۱۳۸۱). بررسی سبک‌های یادگیری بر اساس نظریه کلب در دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی قزوین در سال ۱۳۸۰. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، ۲(۱)، ۱۶-۱۶
- عقیلی، سید مجتبی و نصیری، الهه سادات (۱۳۹۳). رابطه راهبردهای یادگیری و سبک‌های اسناد با مسئولیت‌پذیری. دوفصلنامه علمی-پژوهشی شناخت اجتماعی، ۳(ویژه‌نامه)، ۱۲۵-۱۰۹.
- کمری، سامان و فولادچنگ، محبوبه (۱۳۹۵). رابطه رویکردهای یادگیری با پیشرفت تحصیلی دانشجویان گروه‌های علوم انسانی و فنی مهندسی با توجه به نقش جنسیت. مطالعات آموزشی و آموزشگاهی، ۵(۲)، ۱۵۲-۱۲۹.
- Biggs, J. (2014). Enhancing learning: A matter of style or approach?. In Perspectives on thinking, learning, and cognitive styles (pp. 73-102). Routledge.
- Biggs, J.; Kember, D. & Leung, D. Y. P. (2001). The revised two-factor study process questionnaire: R-SPQ-2F. British journal of Educational Psychology 71: 133-49.
- Broadbent, J., & Poon, W. L. (2015). Self-regulated learning strategies & academic achievement in online higher education learning environments: A systematic review. The Internet and Higher Education, 27, 1-13.
- Caruana, L. (2016). Science and virtue: an essay on the impact of the scientific mentality on moral character. Routledge.
- Dennett, D. C. (2017). Brainstorms: Philosophical essays on mind and psychology. MIT press.
- Dent, A. L., & Koenka, A. C. (2016). The relation between self-regulated learning and academic achievement across childhood and adolescence: A meta-analysis. Educational Psychology Review, 28(3), 425-474.
- Duckworth, A. L., Taxer, J. L., Eskreis-Winkler, L., Galla, B. M., & Gross, J. J. (2019). Self-control and academic achievement. Annual review of psychology, 70, 373-399.
- Gunderson, E. A., Sorhagen, N. S., Gripshover, S. J., Dweck, C. S., Goldin-Meadow, S., & Levine, S. C. (2018). Parent praise to toddlers predicts fourth grade academic achievement via children's incremental mindsets. Developmental psychology, 54(3), 397.
- Loya, A., Gopal, A., Shukla, I., Jermann, P., & Tormey, R. (2015). Conscientious behaviour, flexibility and learning in massive open on-line courses. Procedia-Social and Behavioral Sciences, 191, 519-525.

- Mori, G. (2016). Head transplants and personal identity: A philosophical and literary survey. *CNS neuroscience & therapeutics*, 22(4), 275-279.
- Muller, C. (2018). Parent involvement and academic achievement: An analysis of family resources available to the child. In *Parents, their children, and schools* (pp. 77-114). Routledge.
- Nisbet, J., & Shucksmith, J. (2017). *Learning strategies*. Routledge.
- Phan, H. P. (2011). Deep processing strategies and critical thinking: Developmental trajectories using latent growth analyses. *The Journal of Educational Research*, 104(4), 283-294.
- Sternberg, R. J. (2009). *Perspectives on the nature of intellectual styles*. Springer Publishing Company.
- Yilmaz-Soylu, M., & Akkoyunlu, B. (2009). The Effect of Learning Styles on Achievement in Different Learning Environments. *Turkish Online Journal of Educational Technology-TOJET*, 8(4), 43-50.
- Yuan, W., Zhang, L. F., & Fu, M. (2017). Thinking styles and academic stress coping among Chinese secondary school students. *Educational psychology*, 37(8), 1015-1025.
- Zhang, L. F. (2015). Fostering successful intellectual styles for creativity. *Asia Pacific Education Review*, 16(2), 183-192.
- Zhang, L. F., & Sternberg, R. J. (2009). Revisiting the value issue in intellectual styles. *Perspectives on the nature of intellectual styles*, 63-85.